

در دیدار روز سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ رهبر حکیم انقلاب اسلامی با مسئولان قوای سه‌گانه، نقشه‌ای راهبردی برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار کشور ترسیم شد. این نقشه راه، شامل ۱۰ محور کلیدی است، از کنترل نقدبنگی و اصلاح الگوی مصرف انرژی تا رفع موانع سرمایه‌گذاری و گسترش روابط اقتصادی با همسایگان. این راهبردها نه تنها برای عبور از چالش‌های اقتصادی فعلی ضروری‌اند، بلکه زمینه‌ساز تحقق شعار سال ۱۴۰۴ یعنی «سرمایه‌گذاری برای تولید» نیز خواهند بود. در سلسله گزارش‌های پیش‌رو، هر یک از این محورها به‌طور جداگانه بررسی و تحلیل خواهند شد. این دهمین گزارش بر یکی از بنیادی‌ترین این محورها یعنی اجرای دقیق برنامه هفتم تمرکز دارد.

گزارش یک سعید فرح‌بخش



سلسله گزارش‌های نقشه راه اقتصاد پویا- ۱۰

شرطی‌سازی اقتصاد، زنجیری که باید گسست

شرطی‌سازی اقتصاد، کشور را در تله نوسانات خارجی گرفتار می‌کند و ثبات داخلی را به مخاطره می‌اندازد

اقتصاد شرطی، همچون بیماری مزمنی است که به تدریج پیکره‌ی رشد و

توسعه را فلج می‌کند. این توصیف، بازتابی روشن از واقعیتی است که اقتصاد کشورمان سال‌هاست با آن دست و پنجه نرم می‌کند: وابستگی عمیق به عوامل بیرون‌زا همچون مذاکرات سیاسی، قیمت‌های جهانی نفت و تصمیمات قدرت‌های بزرگ در چنین ساختاری، سرنوشت معیشتی مردم به‌متغیرهایی گره می‌خورد که اساساً خارج از کنترل ملی هستند. این وابستگی خطرناک، اقتصاد را در معرض نوسانات شدید، نااطمینانی‌های مزمن و کاهش تدریجی اعتماد عمومی قرار داده‌است. هرگونه تحول در عرصه جهانی می‌تواند موجی

ریشه‌های عمیق شرطی‌سازی اقتصاد کشورمان را باید

و وابستگی تاریخی به صادرات نفت خام و تأثیرپذیری

از تحولات بین‌المللی جست‌وجو کرد، چراکه درآمدهای

نفتی به منبع اصلی تأمین مالی دولت تبدیل شده‌است.

طبق گزارش‌های رسمی در دهه اخیر به‌طور میانگین

بیش از ۴۰ درصد بودجه دولت از محل فروش نفت

تأمین شده‌است. این اتکای شدید، اقتصاد کشور را

به شدت در معرض نوسانات قیمت نفت و تحریم‌های

خارجی قرار داده‌است. علاوه بر نفت، مذاکرات سیاسی

به‌ویژه به‌پهانه برنامه هسته‌ای، نقش تعیین‌کننده‌ای

در جهت‌گیری‌های اقتصادی پیدا کرده‌اند. تجربه‌ی برنامه

نمونه‌روشنی از این وضعیت است. پس از امضای توافق

در سال ۱۳۹۴، انتظارات مثبت منجر به کاهش نرخ

ارز افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و رشد شاخص‌های

اقتصادی شد. اما با خروج یکطرفه آمریکا به سرکردگی

همین رئیس‌جمهور فعلی رژیم آمریکا از برجام در سال

۱۳۹۷، اقتصاد کشورمان که به مذاکرات گره خورده بود،

با شوک‌های ارزی، جهش تورمی و افت سرمایه‌گذاری

مواجه شد. این نوسانات گویای آن است که اقتصاد

به جای تکیه بر توان داخلی به‌ویودادهای بین‌المللی

شرطی شده و آسیب‌پذیری آن به شدت افزایش یافته

است. در واقع، وابستگی به منابع خارجی و تصمیمات

قانون الزام ثبت رسمی معاملات املاک که برای

شفاف‌سازی طراحی شد، در عمل به مشکل بزرگی

تبدیل شده است. مردم باید اسناد عادی را رسمی

کنند، اما کم‌کاری دستگاه‌های مربوطه، معامله عادی

را غیرممکن و مسیر رسمی را دشوار کرده است. در

نتیجه، نه معامله عادی ممکن است و نه بیشتر سعی آن

آماده. این وضعیت معاملات ملکی را متوقف کرده است.

قانونی که قرار بود انقلابی در نظام معاملات املاک کشور

ایجاد کند، اکنون به بی‌سنی برای مردم تبدیل شده است.

با اجرای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات، قوه قضائیه

مردم را موظف کرده است اسناد عادی خود را به اسناد

رسمی تبدیل کنند؛ اقدامی که ذاتاً گامی مثبت به سوی

شفاف‌سازی و اعتبار بخشی به معاملات تلقی می‌شود اما در

عمل پس از رسمی شدن اسناد و به دلیل کم‌کاری برخی

دستگاه‌ها امکان معامله عادی با این اسناد از مرد سلبد شده

و تنها مسیر باقیمانده، معامله رسمی از طریق ثبت در دفاتر

اسناد رسمی است. این تغییر رویکرد در نظام معاملاتی

کشور، مسیر سنتی و متداول معاملات ملکی را به‌طور کامل

مسدود کرده‌است، اما نکته قابل تأمل اینجاست که خود قوه

قضائیه و سازمان ثبت که طبق قانون موظف به فراهم‌سازی

زیرساخت‌های لازم برای ثبت رسمی معاملات است، در

انجام این وظیفه مهم دچار ضعف و تأخیر شده است. نتیجه

آنکه در شرایط فعلی نه امکان معامله عادی وجود دارد و نه

بستر مناسبی برای معامله رسمی فراهم شده است.

ضرورت‌های اقتصادی اجرای قانون از نگاه

کارشناس اقتصادی

در شرایط کنونی که بخش زیادی از معاملات املاک به

صورت غیررسمی انجام می‌شود، الزام به ثبت رسمی این

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۰۶۰۸۵۳۳۰

تقویت صادرات کالاهای با ارزش افزوده بالا، ثبات اقتصادی خود را بهبود بخشند. ایران نیز با توسعه صنایعی چون پتروشیمی، معدن، کشاورزی صنعتی و فناوری اطلاعات می‌تواند مسیر مشابهی را طی کند.

۲. تقویت تولید داخلی

حمایت اصولی از تولید ملی به معنای ایجاد رانت، بلکه از طریق بهبود فضای کسب و کار، رفع موانع قانونی و اصلاح نظام بانکی – می‌تواند موتور اقتصاد داخلی را فعال کند. طبق برخی گزارشات، بیش از ۶۰ درصد مشکلات تولیدکنندگان به عوامل داخلی همچون مقررات دست‌وپاگیر و ناکارآمدی تأمین مالی مربوط می‌شود. حذف این موانع، بسترساز شکوفایی کارآفرینی و جذب سرمایه خواهد بود.

۳. مدیریت انتظارات عمومی

در شرایط عدم اطمینان، اطلاع‌رسانی شفاف و دقیق دولت می‌تواند نقش مهمی در کنترل انتظارات بازار ایفا کند. ارائه برنامه‌های مشخص اقتصادی، اعلام اهداف کمی و گزارش‌دهی منظم درباره پیشرفت‌ها می‌تواند از شکل‌گیری انتظارات تورمی جلوگیری کند. تجربه‌های موفق بین‌المللی نشان می‌دهد مدیریت فعال انتظارات روانی، بخش مهمی از ثبات اقتصادی را تشکیل می‌دهد.

۴. دیپلماسی اقتصادی فعال

اقتصاد کشور نباید صرفاً به نتایج مذاکرات سیاسی با غرب وابسته باشد. توسعه روابط تجاری و اقتصادی با کشورهای منطقه، آسیا و قدرت‌های نوظهور مانند چین و هند می‌تواند بازارهای جایگزین ایجاد کند. توافقنامه‌هایی چون پیمان شانگهای یا ابتکار کمربند و راه فرصت‌هایی هستند که می‌توانند به کاهش آسیب‌پذیری کشور در برابر تحولات سیاسی غربی کمک کنند.

■ نقش اقتصاد مقاومتی در خنثی‌سازی شرطی‌سازی

اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهبرد ملی، چارچوبی مؤثر برای مقابله با آثار مخرب شرطی‌سازی ارائه می‌دهد. این رویکرد بر دو محور درون‌زایی و بیرون‌زایی تأکید دارد:

– درون‌زایی به معنای تقویت ظرفیت‌های داخلی، حمایت از تولید ملی و افزایش بهره‌وری است.

– بیرون‌گرایی نیز به معنای تعامل هوشمندانه و فعال با اقتصاد جهانی، بدون وابستگی یکسویه تعریف

می‌شود.

یکی از نمونه‌های موفق اقتصاد مقاومتی، توسعه

زنجیره ارزش صنایع پتروشیمی در ایران است، تکمیل

این زنجیره می‌تواند تا سال ۱۴۰۸، درآمدی بالغ بر ۵۰

میلیارد دلار در سال برای کشور ایجاد کند. این درآمد

ارزی، اقتصاد را از آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های

نفتی دور می‌سازد و اشتغال پایدار ایجاد می‌کند. علاوه

بر این اصلاح الگوی مصرف در دولت و جامعه، بخش

دیگری از الزامات اقتصاد مقاومتی است. صرفه‌جویی

در هزینه‌های غیرضروری می‌تواند منابع قابل توجهی

برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی آزاد کند.

به عنوان نمونه، اگر تنها ۱۰ درصد از هزینه‌های جاری

دولت کاهش یابد، طبق برآوردها، سالانه بیش از

۲۰۰ هزار میلیارد تومن منابع آزاد خواهد شد.

■ چشم‌انداز آینده

رهایی از تله شرطی‌سازی نیازمند عزم ملی، انسجام

سیاستی و شجاعت در اصلاحات ساختاری است.

دولت، مجلس و بخش خصوصی باید در قالب یک

برنامه جامع و منسجم، مسیر مقاومت‌سازی اقتصاد را با

جدیت دنبال کنند. تجربه کشورهای چون کره جنوبی،

ترکیه و مالزی نشان می‌دهد اقتصادهای مقاوم و پویا،

محصول برنامه‌ریزی بلندمدت، خوداتکایی و دوری از

سیاست‌زدگی هستند. ایران با برخورداری از منابع غنی

طبیعی، نیروی انسانی مستعد و موقعیت ژئوپلتیکی

ممتاز، ظرفیت تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی را

داراست. تحقق این هدف تنها از مسیر قطع وابستگی به

عوامل خارجی، تمرکز بر ظرفیت‌های داخلی و حرکت

مستمر در مسیر توسعه پایدار امکانپذیر خواهد بود.

اقتصادی می‌تواند درآمدهای پایدار برای دولت ایجاد

کند. پیش از هر زمان دیگری، اقتصاد ایران نیازمند

تصمیمات شجاعانه و اقدامات قاطع است.

تقویت صادرات کالاهای با ارزش افزوده بالا، ثبات

اقتصادی خود را بهبود بخشند. ایران نیز با توسعه

صنایعی چون پتروشیمی، معدن، کشاورزی صنعتی و

فناوری اطلاعات می‌تواند مسیر مشابهی را طی کند.

۲. تقویت تولید داخلی

حمایت اصولی از تولید ملی به معنای ایجاد رانت، بلکه از طریق بهبود فضای کسب و کار، رفع موانع قانونی و اصلاح نظام بانکی – می‌تواند موتور اقتصاد داخلی را فعال کند. طبق برخی گزارشات، بیش از ۶۰ درصد مشکلات تولیدکنندگان به عوامل داخلی همچون مقررات دست‌وپاگیر و ناکارآمدی تأمین مالی مربوط می‌شود. حذف این موانع، بسترساز شکوفایی کارآفرینی و جذب سرمایه خواهد بود.

۳. مدیریت انتظارات عمومی

در شرایط عدم اطمینان، اطلاع‌رسانی شفاف و دقیق دولت می‌تواند نقش مهمی در کنترل انتظارات بازار ایفا کند. ارائه برنامه‌های مشخص اقتصادی، اعلام اهداف کمی و گزارش‌دهی منظم درباره پیشرفت‌ها می‌تواند از شکل‌گیری انتظارات تورمی جلوگیری کند. تجربه‌های موفق بین‌المللی نشان می‌دهد مدیریت فعال انتظارات روانی، بخش مهمی از ثبات اقتصادی را تشکیل می‌دهد.

۴. دیپلماسی اقتصادی فعال

اقتصاد کشور نباید صرفاً به نتایج مذاکرات سیاسی با

غرب وابسته باشد. توسعه روابط تجاری و اقتصادی با

کشورهای منطقه، آسیا و قدرت‌های نوظهور مانند

چین و هند می‌تواند بازارهای جایگزین ایجاد کند.

توافقنامه‌هایی چون پیمان شانگهای یا ابتکار کمربند

و راه فرصت‌هایی هستند که می‌توانند به کاهش

آسیب‌پذیری کشور در برابر تحولات سیاسی غربی

کمک کنند.

■ نقش اقتصاد مقاومتی در خنثی‌سازی

شرطی‌سازی

اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهبرد ملی، چارچوبی

مؤثر برای مقابله با آثار مخرب شرطی‌سازی ارائه

می‌دهد. این رویکرد بر دو محور درون‌زایی و بیرون‌زایی

تأکید دارد:

– درون‌زایی به معنای تقویت ظرفیت‌های داخلی، حمایت از

تولید ملی و افزایش بهره‌وری است.

– بیرون‌گرایی نیز به معنای تعامل هوشمندانه و فعال با

اقتصاد جهانی، بدون وابستگی یکسویه تعریف

می‌شود.

یکی از نمونه‌های موفق اقتصاد مقاومتی، توسعه

زنجیره ارزش صنایع پتروشیمی در ایران است، تکمیل

این زنجیره می‌تواند تا سال ۱۴۰۸، درآمدی بالغ بر ۵۰

میلیارد دلار در سال برای کشور ایجاد کند. این درآمد

ارزی، اقتصاد را از آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های

نفتی دور می‌سازد و اشتغال پایدار ایجاد می‌کند. علاوه

بر این اصلاح الگوی مصرف در دولت و جامعه، بخش

دیگری از الزامات اقتصاد مقاومتی است. صرفه‌جویی

در هزینه‌های غیرضروری می‌تواند منابع قابل توجهی

برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی آزاد کند.

به عنوان نمونه، اگر تنها ۱۰ درصد از هزینه‌های جاری

دولت کاهش یابد، طبق برآوردها، سالانه بیش از

۲۰۰ هزار میلیارد تومن منابع آزاد خواهد شد.

■ چشم‌انداز آینده

رهایی از تله شرطی‌سازی نیازمند عزم ملی، انسجام

سیاستی و شجاعت در اصلاحات ساختاری است.

دولت، مجلس و بخش خصوصی باید در قالب یک

برنامه جامع و منسجم، مسیر مقاومت‌سازی اقتصاد را با

جدیت دنبال کنند. تجربه کشورهای چون کره جنوبی،

ترکیه و مالزی نشان می‌دهد اقتصادهای مقاوم و پویا،

محصول برنامه‌ریزی بلندمدت، خوداتکایی و دوری از

سیاست‌زدگی هستند. ایران با برخورداری از منابع غنی

طبیعی، نیروی انسانی مستعد و موقعیت ژئوپلتیکی

ممتاز، ظرفیت تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی را

داراست. تحقق این هدف تنها از مسیر قطع وابستگی به

عوامل خارجی، تمرکز بر ظرفیت‌های داخلی و حرکت

مستمر در مسیر توسعه پایدار امکانپذیر خواهد بود.

اقتصادی می‌تواند درآمدهای پایدار برای دولت ایجاد

کند. پیش از هر زمان دیگری، اقتصاد ایران نیازمند

تصمیمات شجاعانه و اقدامات قاطع است.

تقویت صادرات کالاهای با ارزش افزوده بالا، ثبات

اقتصادی خود را بهبود بخشند. ایران نیز با توسعه

صنایعی چون پتروشیمی، معدن، کشاورزی صنعتی و

فناوری اطلاعات می‌تواند مسیر مشابهی را طی کند.

۲. تقویت تولید داخلی

حمایت اصولی از تولید ملی به معنای ایجاد رانت، بلکه از طریق بهبود فضای کسب و کار، رفع موانع قانونی و اصلاح نظام بانکی – می‌تواند موتور اقتصاد داخلی را فعال کند. طبق برخی گزارشات، بیش از ۶۰ درصد مشکلات تولیدکنندگان به عوامل داخلی همچون مقررات دست‌وپاگیر و ناکارآمدی تأمین مالی مربوط می‌شود. حذف این موانع، بسترساز شکوفایی کارآفرینی و جذب سرمایه خواهد بود.

۳. مدیریت انتظارات عمومی

در شرایط عدم اطمینان، اطلاع‌رسانی شفاف و دقیق دولت می‌تواند نقش مهمی در کنترل انتظارات بازار ایفا کند. ارائه برنامه‌های مشخص اقتصادی، اعلام اهداف کمی و گزارش‌دهی منظم درباره پیشرفت‌ها می‌تواند از شکل‌گیری انتظارات تورمی جلوگیری کند. تجربه‌های موفق بین‌المللی نشان می‌دهد مدیریت فعال انتظارات روانی، بخش مهمی از ثبات اقتصادی را تشکیل می‌دهد.

۴. دیپلماسی اقتصادی فعال

اقتصاد کشور نباید صرفاً به نتایج مذاکرات سیاسی با

غرب وابسته باشد. توسعه روابط تجاری و اقتصادی با

کشورهای منطقه، آسیا و قدرت‌های نوظهور مانند

چین و هند می‌تواند بازارهای جایگزین ایجاد کند.

توافقنامه‌هایی چون پیمان شانگهای یا ابتکار کمربند

و راه فرصت‌هایی هستند که می‌توانند به کاهش

آسیب‌پذیری کشور در برابر تحولات سیاسی غربی

کمک کنند.

■ نقش اقتصاد مقاومتی در خنثی‌سازی

شرطی‌سازی

اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهبرد ملی، چارچوبی

مؤثر برای مقابله با آثار مخرب شرطی‌سازی ارائه

می‌دهد. این رویکرد بر دو محور درون‌زایی و بیرون‌زایی

تأکید دارد:

– درون‌زایی به معنای تقویت ظرفیت‌های داخلی، حمایت از

تولید ملی و افزایش بهره‌وری است.

– بیرون‌گرایی نیز به معنای تعامل هوشمندانه و فعال با

اقتصاد جهانی، بدون وابستگی یکسویه تعریف

گفت‌وگوی «جوان» با علیرضا مؤمنی، کارشناس سیاست‌های اقتصادی

درباره تبعات شرطی‌سازی اقتصاد و راهکارهای حل آن

اقتصاد، گروگان تحولات خارجی شده است

اقتصاد کشورمان سال‌هاست در تله شرطی‌سازی گرفتار شده‌است؛ تله‌ای که هر روز اثرات مخربش را بر معیشت مردم و ثبات بازارها نشان می‌دهد. در این گفت‌وگوی چالشی با علیرضا مؤمنی، کارشناس سیاست‌های اقتصادی به‌واکاو ریشه‌ها و پیامدهای شرطی‌سازی اقتصاد کشورمان و بررسی راهکارهای عبور از این بحران پرداخته‌ایم. مؤمنی معتقد است بدون تغییر نگاه سیاست‌گذاران و رهایی از «انتظار برای سیگنال‌های خارجی» نمی‌توان به توسعه پایدار دست یافت.

دولت متنوع و پایدار شود. دولت باید مالیات عادلانه بگیرد،

پایه‌های مالیاتی را گسترش دهد و هزینه‌های غیرضروری را کاهش دهد.

سوم، تقویت تولید داخلی: این هم نیاز به اصلاح نظام بانکی،

تسهیل فضای کسب و کار، حذف قوانین دست‌وپاگیر و حمایت

هوشمند از تولیدکنندگان واقعی دارد.

بدون این اصلاحات، همچنان اقتصاد ما در برابر تحولات

خارجی آسیب‌پذیر خواهد ماند.

یکی از آثار شرطی‌سازی، نداشتن اطمینان

در سرمایه‌گذاری است. چه راهکاری برای

بازگرداندن اعتماد سرمایه‌گذاران دارید؟

شفافیت و ثبات سیاست‌ها کلیدی است. سرمایه‌گذار باید

بدان تصمیمات اقتصادی از منطق داخلی پیروی می‌کنند، نه از

اخبار بین‌المللی. علاوه بر این قراردادهای سرمایه‌گذاری باید

محترم شمرده شود، ریسک‌های غیرضروری کاهش یابد و

بازارهای مالی تعمیق پیدا کنند. همچنین اطلاع‌رسانی شفاف

دولت درباره برنامه‌های اقتصادی می‌تواند انتظارات تورمی را

مهار و فضای روانی بازارها را آرام کند.

اقتصاد مقاومتی سال‌هاست مطرح می‌شود اما

کمتر به نتیجه ملموس رسیده است. مشکل از

کج‌انشتن می‌گیرد؟

بزرگ‌ترین مشکل در اجرای ناقص و سطحی است. اقتصاد

مقاومتی به معنای بستن درهای کشور نیست، بلکه تقویت

بنیان‌های داخلی در برابر تعامل هوشمند با جهان است.

متأسفانه در عمل بیشتر به شعار پرداخته شده تا برنامه

اجرائی. برای تحقق اقتصاد مقاومتی باید اسناد بالادستی

دقیق